

خوابم در گلوی یک درخت می‌شکند؛
سایه‌ی دوست‌داشتنی‌ام
از دیوار جدا افتاده است.

صبح‌ها زودتر از من بیدار می‌شود،
به‌دنبال آدم‌ها می‌دود
قدِ خودش را با آینه‌ی مغازه‌ها می‌سنجد،
در ویتترین برای خودش سر تکان می‌دهد
به شانه‌های ناشناس‌ها می‌چسبد و کش می‌آید
و عصر، کمی کوتاه‌تر برمی‌گردد.

من اما فقط زاویه‌ی برگ‌ها را عوض می‌کنم
تا راه عبور هوا بی‌گیر و گور بماند
برگ‌ها به نوبت «نه» و «آری» می‌گویند؛
تا در را هم نیمه‌باز نگه دارند
آنگاه،
آن‌چه باید برود، سبک می‌شود
و به شکل نفس، برمی‌گردد.

سایه‌ام از پله‌ها یک پله می‌دزد و می‌خندد،
به من نگاه می‌کند و می‌گوید:
از میان قاب‌عکس‌ها چند مردمک چیده‌ام،
چندتایی را هم توی جیب بچه‌ها کاشته‌ام؛
شاید به همین خاطر
ظهر فردا خیابانی تازه از مردم می‌روید؛
آن‌چنان‌که،
کسی در آن از کسی خبر ندارد
و جز چند چرخ‌دستی، صدایی از دیوار رد نمی‌شود.

دستم در کدام افسانه است؟
فهرست نام‌ها تا ابد عقب می‌رود،
و حلقه‌ها
شروع می‌کنند به شمردن من؛
می‌گویند سایه‌ها همه نام‌ها را از برند
شاید برای همین
این صفحه به تاریکی بعدی می‌لغزد و باز می‌شود.

دستم در کدام افسانه است؟
حلقه‌ها می‌شمارند: یکی گم است،
به‌جایش
از هر دردی که نام نمی‌برم،
کاجی بالا می‌آید
و راز آلود، پشت سرم می‌ماند.

سایه پله دزدیده را روی شانه می‌اندازد،
کلیدها را یکی‌یکی از دهان قفل‌ها بیرون می‌کشد،
و اتاق‌به‌اتاق می‌پرسد:
چطور باید زندگی کرد؟
میان چشمی در، حافظه‌اش تند می‌چرخد،
و آن وقت
خیابان از جای دیگری شروع می‌شود،
انگار که نقشه را از پشت خوانده باشند.

حلقه‌ها می‌شمارند؛ عدد به سایه نمی‌رسد
مورچه‌ای از روی تنم بالا می‌رود،
گره‌ها را با شاخک لمس می‌کند،
مکث می‌کند،
ادامه می‌دهد...
گره می‌جنبد و مورچه می‌افتد.

یک پله می‌لغزد به بیرون
درز پله جا می‌ماند تا کاری کند
من در آن بذر ناخن می‌کارم؛
شب پوسته سفیدی می‌گیرد،
صبح بند اول انگشت بیرون می‌آید،
عصر، مچ کوتاهی کامل می‌شود.

دستم را به سایه‌ام می‌دهم
تا «برو» و «بمان» را خودش اجرا کند،
و تنها
گوش خواهم داد
که هوا چه می‌خواهد؛
زیرا باد، اشاره‌ها را بلد نیست.

دستش را امتحان می‌کند:
کلیدها را روی زبان می‌گذارد،
شماره‌ها را وارونه می‌خواند
یکی آرام «آری» می‌گوید؛
دستگیره پایین می‌رود،
سایه از روی پله می‌لغزد و بر تنم می‌ایستد؛
من نفس می‌کشم
و برگ بالایی را
به یاد زندگی،
یک درجه می‌چرخانم.